

گونه‌شناسی استدلال‌های قرآنی در مناظرات رضوی (با محوریت عیون اخبارالرضا علیه السلام)

میثم خلیلی

meysam.khalili1370@gmail.com

سمیرا قلی‌ئی

samiragholiee313@gmail.com

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۹)

چکیده

این مقاله در صدد است مستند به مناظرات عیون اخبارالرضا علیه السلام و با اتخاذ روش توصیفی-تحلیلی، انواع گونه‌های تفسیری مناظرات امام رضا علیه السلام را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. بر اساس این پژوهش، امام رضا علیه السلام مباحث مربوط به علوم قرآنی از جمله بیان آیات الأحکام، ذکر شأن و سبب نزول آیات و توضیح آیات متشابه را در جلسات مناظره‌ای که با صاحبان دیگر ادیان داشتند، مطرح نمودند. حضرت در اثبات عصمت انبیای الهی علیه السلام و همچنین اثبات برگزیدگی عترت بر امت، با در کنار هم نهادن آیاتی از قرآن کریم و همچنین با استناد به روایتی از امام صادق علیه السلام از روش تفسیری قرآن به قرآن و قرآن به سنت استفاده نمودند. تبیین اراده خداوند با استفاده از براهین عقلی در مناظره امام رضا علیه السلام با صاحبان ادیان در اثبات عصمت انبیا علیه السلام کاربرد دارد. امام رضا علیه السلام در جلسه مناظره با علمای مرو، از طریق روش جری و تطبیق، برخی از آیات را به امام علی تطبیق می‌نماید. بیان بطن و تأویل آیات، در مناظره امام رضا پیرامون توحید تجلی دارد. بیان مصداق خارجی برخی آیات قرآن کریم، در مناظره امام رضا ولایت اهل بیت کاربرد دارد.

کلیدواژه‌ها: مناظره امام رضا ، گونه‌شناسی، استدلال‌های قرآنی، عیون اخبارالرضا .



۱- طرح مسئله

از شیوه‌های تبیین معارف دینی در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام در مواجهه با اندیشه‌های مخالفان اسلام و تشیع، مناظره‌ها و احتجاج‌هایی بوده است که امامان معصوم علیهم‌السلام یا تربیت‌یافتگان آنان در طول تاریخ انجام داده‌اند. در این میان، مناظرات امام رضا علیه‌السلام به دلیل گستردگی دامنه و فضای علمی پدید آمده در عصر آن حضرت، و نیز حمایت دربار عباسی از مباحث علمی و تشکیل جلسات و دعوت از طرفین مناظره، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. هر چند قلمرو گفت‌گوهای امام علیه‌السلام بسی گسترده است و مسائل حقوقی را هم در بر می‌گیرد، اما عمده این مناظرات به مباحث اعتقادی شامل معارف توحیدی، نبوت، حقانیت قرآن و مسأله امامت مربوط می‌گردد. جست‌جو در منابعی مانند عیون اخبار الرضا علیه‌السلام (ابن بابویه، ۱۳۷۳: ج ۱، ص ۳۴۱-۴۱۸ و ۴۶۸-۴۹۶)، الاحتجاج (طبرسی، ۱۹۶۶م: ج ۲، ص ۱۷۱-۲۳۷) و بحارالانوار (مجلسی، بی‌تا: ج ۱۰، ص ۲۹۹-۳۵۱؛ ج ۴۹، ص ۱۸۹-۲۱۶) در مجموع گزارش پانزده مجلس مناظره را (با حذف موارد تکراری) در دسترس محقق قرار می‌دهد و نمایان‌گر آن است که این مناظرات، متناسب با موقعیت‌ها، مختصر یا مفصل برگزار شده است و مأمون عباسی در بیش‌تر این محافل حضور داشته و گاه خود او با امام به گفت‌گو پرداخته است. از جمله کتاب‌هایی که در آن مناظرات رضوی نقل گردیده، کتاب عیون اخبار الرضا علیه‌السلام نوشته شیخ صدوق است. این کتاب، به جهت اینکه اختصاص به توضیح و تبیین معارف، احادیث و شرحی از زندگی امام رضا علیه‌السلام دارد، مرجع مناسب و معتبری برای تحقیق و پژوهش در موضوعات تخصصی رضوی علیه‌السلام محسوب می‌گردد. در این کتاب متقدم و با اعتبار، جمعا پنج مجلس مناظره از امام رضا علیه‌السلام نقل گردیده است. دو جلسه مناظره پیرامون توحید، دو مجلس پیرامون عصمت انبیا علیهم‌السلام و یک جلسه مناظره درباره اثبات برتری و فضایل خاندان عترت علیهم‌السلام می‌باشد.

جلسات مناظره را می‌توان به عنوان شاخه‌ای از علوم حدیث محسوب نمود. در جلسات مناظره امام رضا علیه‌السلام استفاده از آیات کلام وحی تجلی ویژه دارد. استدلال‌های قرآنی حضرت به گونه‌های مختلفی قابل تقسیم‌اند. دانشمندان اسلامی، تقسیم‌بندی‌های زیادی برای گونه‌های روایات تفسیری معصومین علیهم‌السلام ارائه کرده‌اند. هدف از پژوهش حاضر پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست:

- استدلال‌های قرآنی امام رضا علیه‌السلام در جلسات مناظره چه حوزه‌های را شامل می‌شود؟

این پژوهش در راستای پاسخ‌گویی به پرسش‌های مذکور، و گونه‌شناسی استدلال‌های قرآنی که در مناظرات امام رضا علیه السلام مندرج در عیون اخبارالرضا علیه السلام به کار رفته‌اند، با روش توصیفی-تحلیلی سامان یافته است.

۱-۱. پیشینه تحقیق

پیرامون بررسی مناظرات امام رضا علیه السلام از جنبه‌های گوناگون آثار مستقلی نگاشته شده است. برخی از این آثار عبارت‌اند از کتاب‌های: مناظرات امام رضا علیه السلام با علمای ادیان مختلف: برخی از اعتقادات شیعه امامیه (۱۴۳۲ق): ارکانی بهبهانی حائری؛ مناظرات تاریخی امام رضا علیه السلام با پیروان مکاتب و مذاهب دیگر (۱۳۸۸): مکارم شیرازی؛ و مقالات: روش‌های رویارویی امام رضا علیه السلام با پیروان ادیان، فرق و مذاهب اسلامی (۱۳۹۲): میرحسینی و کریمی؛ سبک‌شناسی مناظرات کلامی امام رضا علیه السلام (۱۳۹۴): رجبی و مطهری؛ اصول مناظره و آزاداندیشی با تکیه بر مناظره‌های امام رضا علیه السلام (۱۳۹۲): مصلابی‌پور و سلیمی و.... اما پیرامون مناظره امام رضا علیه السلام با علمای مرو در اثبات برتری عترت بر امت تاکنون پژوهش مستقلی به صورت کتاب، پایان‌نامه و مقاله مشاهده نگردیده است.

این مقاله تلاش می‌کند با تمرکز بر مناظره‌های امام رضا علیه السلام، روش‌های مختلفی را که حضرت در مواجهه با علمای مرو، در اثبات مبانی حقه شیعه با استناد به آیات قرآن کریم به کار برده‌اند، بررسی و تحلیل نماید تا کوششی در راستای شناخت هر چه بهتر روش‌های مختلف استدلال‌ها و مناظره‌های رضوی علیه السلام و هم‌چنین تلاشی در جهت شناسایی فضایل قرآنی خاندان عترت علیه السلام باشد.

۲. گونه‌های روایات تفسیری

پژوهش‌های گونه‌شناختی در استدلال‌های قرآنی مناظرات رضوی کاشف از این مطلب است که مهم‌ترین شاخص‌های روش تفسیری در روایات تفسیری، که در این نوشتار به گونه‌شناسی روایات تفسیری تعبیر می‌شود، از این قرار است:

۱-۲. بیان علوم قرآن:

تامل در مناظره‌های امام رضا علیه السلام بیانگر این مطلب است که بخشی از مناظرات حضرت، ناظر بر مباحث علوم قرآنی است. علوم قرآن، همه دانش‌هایی را که برای فهم قرآن به کار می‌آیند یا برخاسته از قرآن‌اند، در برمی‌گیرد (جوان‌آراسته، ۱۳۸۱ش: ص ۲) که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱-۱-۲. محکم و متشابه

یکی از مهم‌ترین مباحث علوم قرآنی، محکم و متشابه است. یکی از راه‌های صحیح تفسیر قرآن کریم استفاده از آیات محکم برای فهم متشابهات قرآن کریم است؛ چنان‌که خود قرآن، آیاتش را بر دو قسم کرده: یکی، محکّمات که اصل و مادرند و دیگری، متشابهات: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ» (آل عمران/ ۱۲)

علامه طباطبایی پس از بیان روایاتی درباره تفسیر متشابهات می‌نویسد: «از روایات، همان مطلبی که ما بیان کردیم، یعنی ارجاع متشابهات به محکّمات استفاده می‌شود و تشابه در متشابهات قابل رفع است؛ چرا که محکّمات می‌توانند متشابهات را تفسیر کنند» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۳، ص ۶۸).

شاهد مثالی در زمینه توضیح و تبیین آیات متشابه و ارجاع آن‌ها به آیات محکم در استدلال - های امام رضا علیه السلام، مناظره حضرت در حضور مأمون پیرامون اثبات عصمت انبیا علیهم السلام است. در این مناظره، علی بن محمد جهّم به آیاتی استناد جسته و قصد داشت با استفاده از این آیات، عصمت انبیا را زیر سؤال ببرد. از جمله در این زمینه به آیه ۱۲۱ سوره طه: «وَ عَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى؛ آدم پروردگارش را نافرمانی کرد، و از پاداش او محروم شد!» و هم‌چنین قسمتی از آیه ۲۴ سوره یوسف: «وَ لَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَ هَمَّ بِهَا؛ آن زن قصد او کرد؛ و او نیز» استناد جسته و با استفاده از این آیات، تلاش نمود تا بر عصمت انبیای الهی شبهه وارد نماید. امام علیه السلام در پاسخ وی فرمودند:

«از خدا بترس و زشتی‌ها را به انبیای الهی نسبت نده! و کتاب خدا را با رأی خود تفسیر و تأویل نکن، خداوند فرموده است: «وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ؛ تفسیر آن‌ها را، جز خدا و راسخان در علم، نمی‌دانند».

امام علیه السلام در حقیقت با استناد به آیه کریمه ۱۲ سوره آل عمران که پیرامون ارجاع آیات متشابه به آیات محکم است، سعی در زدودن شبهه از ذهن علی بن محمد و حاضران در جلسه مناظره

داشتند و در ادامه مناظره با استناد بر آیات دیگری از کلام وحی و محکّمات الهی، به شبهات علی بن محمد جهّم پاسخ گفتند. در اثبات عصمت حضرت آدم علیه السلام و در بطلان شبهه مذکور فرمودند:

«در مورد آدم علیه السلام: خداوند عزوجل حضرت آدم علیه السلام را به عنوان حجت خود بر روی زمین و جانشین در شهرها آفرید و او را برای بهشت نیافریده بود، و این عمل در بهشت واقع شد نه در روی زمین، و عصمت در زمین لازم است تا اندازه‌ها و میزان‌های امر خدا به اتمام برسد، و آنگاه که به زمین آورده شد و حجت و خلیفه گردید، معصوم شد، طبق این آیه: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ» (آل عمران/۳۳)

حضرت در ادامه آیه مورد استناد علی بن محمد جهّم پیرامون عصمت حضرت یوسف علیه السلام را اینگونه تبیین فرمودند:

«زلیخا قصد گناه کرد، و یوسف علیه السلام از ناراحتی تصمیمی گرفت که اگر زلیخا او را مجبور کند، او را بکشد، این بود که خداوند او را از ارتکاب قتل و عمل منافی عفت دور کرد، و این آیه: «كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَ الْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ»؛ اینچنین کردیم تا بدی و فحشا را از او دور سازیم؛ چرا که او از بندگان مخلص ما بود!» (یوسف/۲۴) اشاره به همین مطلب دارد و سوء یعنی قتل و فحشاء یعنی زنا» (ابن بابویه، ۱۳۷۳: ج ۱، ص ۳۹۰-۳۹۱).

بنابراین، شبهات مذکور پیرامون عصمت انبیا علیهم السلام با استدلال‌های امام رضا علیه السلام به خوبی پاسخ داده شدند.

۲-۱-۲. شأن نزول و سبب نزول

سبب نزول در اصطلاح مفسران و دانشمندان علوم قرآنی، رویداد یا پرسشی است که به اقتضای آن، قسمتی (آیه یا آیات یا سوره ای) از قرآن کریم هم‌زمان یا در پی آن نازل شده است و به مجموعه آن رویدادها و پرسش‌ها «اسباب نزول» گفته شده است. (بابایی، ۱۳۷۹: ص ۸) تفاوت «اسباب نزول» با «شأن نزول» نیز آن است که شأن نزول، امری است که آیاتی از قرآن برای بیان و توضیح آن آمده است، بدون آنکه انتظار نزول آن آیات برود و این امر هم حوادث و اتفاقات

واقع شده در صدر اسلام را شامل می‌شود و هم اموری را که چه بسا سال‌ها یا قرن‌ها پیش از ظهور اسلام محقق شده‌اند. (همان)

در قسمتی از مناظره امام رضا علیه السلام با مأمون پیرامون اثبات عصمت انبیاء علیهم السلام استفاده از روش شأن نزول به چشم می‌خورد. مأمون در این مناظره پیرامون آیه ۸۷ سوره انبیاء: «وَذَا التُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ؛ وَ ذَا النُّونِ رَا (به یاد آور) در آن هنگام که خشمگین (از میان قوم خود) رفت؛ و چنین می‌پنداشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت.» می‌پرسد و طی این پرسش سعی در آوردن شبهه پیرامون عصمت انبیاء علیهم السلام دارد. حضرت در پاسخ به این شبهه، مصداق «ذالتون» را «یونس بن متی» عنوان می‌کنند و می‌فرمایند:

«او بر قوم خود غضب کرده و از بین آنان رفت. و ظن بدین معناست که یقین کرد که «أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ» یعنی ما روزی اش را بر او تنگ نمی‌کنیم. به هر حال، او در تاریکی و ظلمات خداوند را خواند، یعنی در تاریکی شب و در شکم ماهی این سخنان را گفت که هیچ معبودی جز تو نیست، تو منزهی و من به خاطر ترک کردن چنین عبادتی که در شکم ماهی امکانش را برایم فراهم ساختی، ظالم و ستمکار هستم. خداوند نیز دعای او را اجابت کرده و فرمود: «فَلَوْ لَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ * لَلَيْتَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُعْعَثُونَ؛ وَ اِغْرَاوْ اِز تَسْبِيحِ كُنُودِ كَانْ نَبُوْدْ * تا روز قیامت در شکم ماهی می‌ماند!» (ابن بابویه، ۱۳۷۳: ج ۱، ص ۴۱۱).

اما شاهد مثالی پیرامون استفاده از روش بیان سبب نزول در تفسیر آیات، پنجمین آیه در استنادات امام رضا علیه السلام در بیان معنای «اصطفاء»، در جلسه مناظره با علمای مرو پیرامون تفاوت عترت و امت است. ایشان سبب نزول آیه ۲۶ سوره اسراء: «وَ اِتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ؛ وَ حَقِّ نَزْدِيكَانِ رَا بَبْرْدَاز» را پیرامون داستان بخشش فدک به حضرت فاطمه علیها السلام عنوان می‌کنند. و این آیه را یک امتیاز می‌دانند که خداوند تنها به اهل بیت علیهم السلام اختصاص داده و ایشان را بر امت مقدم داشته است. می‌فرماید:

«وقتی این آیه بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد، فرمودند: فاطمه علیها السلام را صدا بزنید، آن‌گاه به او فرمود: این فدک از جاهایی است که با لشکرکشی گرفته نشده، و متعلق به شخص من است و مسلمانان در آن حقی ندارند، من آن را به تو می‌بخشم، چون خداوند به من دستور داده آن را تصرف کن و متعلق به تو و

فرزندان تو است.» (همان: ۴۷۸)

حضرت در این قسمت از مناظره، به واقعه‌ای خارجی که به سبب آن آیه‌ای از قرآن کریم نازل گردید، اشاره نمودند و در این راستا، آیه ۲۶ سوره اسراء را فضیلتی مهم و اساسی برای خاندان عصمت علیهم‌السلام دانستند.

۲-۱-۳. بیان آیات الأحکام

آیات الاحکام، آیاتی هستند که به احکام فقهی و تکالیف عملی ارتباط دارند (شهابی، بی‌تا: ج ۲، ص ۴). به عبارت دیگر، بر آن دسته از آیات قرآن اطلاق می‌شود که بیانگر احکام عملی اسلام باشند (مدیر شانه‌چی، ۱۳۸۹: ص ۲).

در مناظرات امام رضا علیه‌السلام مندرج در عیون اخبارالرضا علیه‌السلام تفسیر آیات الاحکام توسط حضرت به چشم می‌خورد. شاهد مثالی در این زمینه، قسمتی از مناظره حضرت با علمای مرو پیرامون تفاوت عترت با امت است. حضرت در توضیح هشتمین آیه پیرامون برگزیدگی عترت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به حرمت صدقه دادن بر خاندان عصمت با استناد به آیه ۶۰ سوره توبه اشاره می‌کنند. خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید:

«انَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ؛ زکات‌ها مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای (جمع آوری) آن زحمت می‌کشند، و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام می‌شود، و برای (آزادی) بردگان، و (ادای دین) بدهکاران، و در راه (تقویت آیین) خدا، و واماندگان در راه؛ این، یک فریضه (مهم) الهی است؛ و خداوند دانا و حکیم است!»

حضرت در توضیح دلالت آیه بر حرمت صدقه دادن بر آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

«آیا در بین این موارد، موردی هست که خود یا رسولش یا خویشان او را نام برده باشد؟ زیرا وقتی خود را از صدقه منزّه دانست و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیتش علیهم‌السلام را نیز منزّه دانست؛ بلکه بر آنان حرام نمود، زیرا صدقه (زکات واجب) بر محمد و آل او علیهم‌السلام حرام است. زکات در واقع چرک‌های دست مردم است و بر آنان حلال نیست، زیرا آنان از هر پلیدی پاک شده‌اند و آن‌گاه که خداوند



عزوجل آنان را پاک نمود و برگزید، برای آنان همان را پسندید که برای خود پسندید و همان چیز را بد دانست که برای خود بد دانست» (ابن بابویه، ۱۳۷۳: ج ۱، ص ۴۹۲).

همان گونه که ملاحظه می‌گردد، حضرت در این قسمت از مناظره، ضمن استفاده از استدلالی فقهی در حرمت صدقه بر خاندان عترت، برتری و برگزیدگی ایشان را نیز نتیجه گرفتند. دلیل و نشانه این برتری نیز تنزیه خدا، رسول ﷺ و اهل بیت علیهم السلام از دریافت صدقه است. ۳. تفسیر قرآن به قرآن

تفسیر قرآن به قرآن، به این مفهوم است که قرآن را با قرآن معنا کنیم و معنی هر آیه را با یاری تدبّر در آیات متشابه به دست آوریم. در این روش مفسر بیش از هر چیز از خود قرآن کمک می‌گیرد و مستندات قرآنی او در تفسیر، بیش از امور دیگر است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱: ص ۴؛ بابایی، ۱۳۷۹: ص ۱۱۹) این روش تفسیر مورد تأیید و تأکید پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام بوده (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱: ص ۱۵) و احادیثی نیز از معصومان علیهم السلام در تأیید آن وارد شده است. (شریف رضی، بی تا: خطبه ۱۳۳؛ طباطبایی، ۱۳۶۱: ص ۶۱) عده‌ای این روش را بهترین روش تفسیر قرآن (بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۲: ص ۷۵؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۳۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱: ص ۱۱) و راهگشای مبهمات تفسیری دانسته‌اند. (سیوطی، ۱۴۰۷ق: ج ۲: ص ۵۵۵)

در مناظرات رضوی نیز جلوه‌های از استفاده از روش تفسیری قرآن به قرآن به چشم می‌خورد. به عنوان نمونه حضرت در توضیح هفتمین آیه در معنای «إِصْطَفَى» و اثبات برگزیدگی خاندان عترت علیهم السلام در مناظره با علمای مرو، آیه ۵۶ سوره مبارکه احزاب را شاهد می‌آورد: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» ایشان پس از بیان آیه می‌فرماید: «وَقَدْ عَلِمَ الْمُعَانِدُونَ مِنْهُمْ أَنَّهُ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ عَرَفْنَا التَّسْلِيمَ عَلَيْكَ وَكَيْفَ الصَّلَاةِ؛ دشمنان خود می‌دانستند که وقتی این آیه نازل شد بعضی گفتند یا رسول الله ﷺ! ما فهمیدیم باید چگونه تسلیم باشیم اما صلوات بر شما چگونه است؟» حضرت در ادامه این دعا را بیان فرمودند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.» سپس حضرت فرمودند: «آیا در این مورد اختلافی دارید؟» عرض کردند: خیر.

مأمون نیز پس از تأیید مطلب امام علیه السلام در مورد واژه «آل» و معنای آن از حضرت شاهد قرآنی طلب کرد. حضرت به آیات ابتدایی سوره مبارکه «یس» اشاره نمودند که می‌فرماید: «يَسْ وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُزْسَلِينَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (یس ۱/۴) و از حاضران می‌پرسد که منظور از «یس» کیست؟ علمای حاضر، در جواب گفتند: «یس» محمد صلی الله علیه و آله است، کسی شکی در آن ندارد. حضرت در ادامه می‌فرماید: «خداوند به محمد صلی الله علیه و آله و آل محمد علیهم السلام با نزول آیه مقامی عنایت فرموده که کسی به کنه آن نمی‌تواند برسد، مگر این که آن را درک نماید.» و سپس با بیان شواهدی از قرآن کریم صلوات و درود بر آل پیامبر صلی الله علیه و آله را ثابت می‌نماید.

حضرت می‌فرمایند:

«دلیل بر این مطلب آن است که خداوند جز بر پیامبران سلام نفرستاده، چنان- که می‌فرماید: «سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ» (صافات/۷۹)، «سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ» (صافات/۱۰۹)، «سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ» (صافات/۱۲۰)، خداوند در این آیات نفرموده: سلام بر آل نوح و سلام بر آل ابراهیم و نه سلام بر آل موسی و هارون علیهم السلام، ولی فرموده: «سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ» (صافات/۱۳۰)، در نتیجه صلوات فرستادن به آل پیامبر صلی الله علیه و آله با این دو آیه ثابت گردید.» (ابن بابویه، ۱۳۷۳: ج ۱: ۴۸۵-۴۸۷)

در فراز مذکور از مناظره، امام رضا علیه السلام با استفاده از روش تفسیر قرآن با قرآن، و با در کنار هم نهادن آیاتی از قرآن کریم، از جمله آیه نخست سوره «یس» و آیه ۱۳۰ سوره صافات، برتری «آل» و خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله را بر دیگران ثابت نمودند. همان‌گونه که ملاحظه گردید، حضرت مقصود از «یس» را پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دانستند و «آل یاسین» را عترت ایشان معرفی نمودند.

۴. تفسیر قرآن به سنت

سنت در اصطلاح از نظر شیعه به نفس قول، فعل و تقریر معصوم علیه السلام گفته می‌شود (سبحانی، ۱۴۱۹ق: ص ۸۹). بنابراین، سنت، واقع امر است که در عصر معصوم علیه السلام و به‌وسیله وی انجام گرفته است (همان). حدیث، سنت را در قالب کلام گزارش می‌کند؛ یعنی سنت قولی، از جنس سخن است و سنت فعلی، از جنس عمل، و تقریر هم که تاکید است می‌تواند از نوع فعل باشد (نفیسی، ۱۳۸۸: ص ۳۵). در این روش، اهل بیت علیهم السلام در تفسیر آیه به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و یا

دیگر امامان معصوم علیهم السلام استناد کرده و به مدد آن، آیه را تبیین و تفسیر نموده‌اند (ناصح، ۱۳۸۵: ص ۱۱۰).

شاهد مثالی در استفاده از روش قرآن به سنت، مناظره امام رضا علیه السلام با مأمون پیرامون عصمت انبیاء علیهم السلام است. در قسمتی از این مناظره، مأمون به آیه «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ وَ هَمَّ بِهَا لَوْلَا اَنْ رَّاٰ بُرْهَانَ رَبِّهٖ كَذٰلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوْءَ وَ الْفَحْشَاءَ اِنَّهٗ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِيْنَ» آن زن قصد او کرد؛ و او نیز - اگر برهان پروردگار را نمی‌دید - قصد وی می‌نمود! اینچنین کردیم تا بدی و فحشا را از او دور سازیم؛ چرا که او از بندگان مخلص ما بود! (یوسف/۲۴) پیرامون یکی از شبهات عصمت انبیاء علیهم السلام استناد می‌جوید و از حضرت در دفع این شبهه توضیح می‌خواهد. حضرت در پاسخ می‌فرماید:

زلیخا قصد یوسف کرد، و اگر یوسف برهان پروردگارش را نمی‌دید، او نیز قصد زلیخا می‌کرد؛ لکن او معصوم بود، و معصوم نه قصد گناه می‌کند و نه مرتکب آن می‌شود.»
و سپس روایت از پدر بزرگوارش نقل می‌کند که ایشان از امام صادق علیه السلام نقل فرمودند:
«زلیخا تصمیم گرفت که این عمل را انجام دهد و یوسف علیه السلام تصمیم گرفت انجام ندهد» (ابن بابویه، ۱۳۷۳: ج ۱، ص ۱۴۱).

۵. استدلال‌های کلامی

یکی از جایگاه‌های اهل بیت علیهم السلام، مرزبانی از اعتقادات قرآنی و نظارت بر روند اندیشه دینی در جامعه مسلمانان می‌باشد. از مهم‌ترین فرصت‌های اهل بیت علیهم السلام در ارائه معارف اعتقادی، جلسات مناظره با علمای دیگر ادیان و مذاهب است. امام رضا علیه السلام در مناظره‌های فراوانی که با صاحبان ادیان داشتند، رسالت تبیین مسائل اعتقادی را به خوبی ادا نموده و به کمک آیات مختلف قرآن کریم به شبهات اعتقادی پاسخ گفتند. در اکثر مناظره‌های حضرت، بیان معارف اعتقادی و کلامی و اصول دین تجلی یافته است و حضرت در تبیین این معارف، به بسیاری از آیات کلام وحی استناد نموده‌اند. از جمله در مناظره حضرت در حضور مأمون با علمای دیگر ادیان پیرامون توحید، به بسیاری از آیات قرآن کریم استدلال گردیده است. (ابن بابویه، ۱۳۷۳: ج ۱، ص ۳۱۴-۳۶۱) هم‌چنین در دیگر مناظره حضرت که پیرامون توحید و در حضور مأمون با سلیمان مروزی انجام گرفت، از ۲۷ آیه از قرآن کریم، در تبیین معارف توحیدی بهره گرفته شده است. (همان، ج ۱، ص ۳۶۲-۳۸۸) در مناظره حضرت با علی بن محمد بن جهم که در حضور

مأمون و پیرامون عصمت انبیاء علیهم‌السلام صورت گرفت نیز ۱۹ آیه از قرآن کریم تجلی یافته است که نشان‌گر استدلال‌های زیاد حضرت به آیات کلام وحی در زدودن شبهات اعتقادی و کلامی است. (همان، ج ۱، ص ۳۸۹-۳۹۶) و نیز در مجلس دیگری که در حضور مأمون و پیرامون عصمت انبیاء علیهم‌السلام انجام گرفت، حضرت در جهت اثبات عصمت انبیای الهی به ۴۰ آیه از قرآن کریم استدلال فرمودند. (همان، ج ۱، ص ۳۹۷-۴۱۸) و در نهایت در مجلس مأمون و در مناظره با علمای مرو، پیرامون برتری عترت بر امت، و اثبات امامت و ولایت اهل‌البیت علیهم‌السلام از ۳۴ آیه قرآن بهره می‌برد. (همان، ج ۱، ص ۴۶۹-۴۹۶) تنوع استدلال‌های قرآنی حضرت موجب شده تا در تمامی این مناظرات حجت بر همگان تمام شده و هیچ‌گونه شبهه‌ای بدون پاسخ نماند.

۵-۱. تبیین آیات به کمک براهین عقلی

ساختار و مفهوم برخی آیات که غالباً به اصول اعتقادی و آرای کلامی ارتباط دارد، به‌گونه‌ای است که ما را به استفاده از استدلال و برهان نیازمند می‌سازد. زیرا از این راه به‌راحتی می‌توان شبهات را از خاطر افراد زدود و اعتقادشان را محکم گردانید. به‌کارگیری براهین عقلی نه تنها در کلام خداوند، بلکه در شمار بسیاری از روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام به‌چشم می‌خورد (حجتی، ۱۳۸۳ش: ص ۳۲). گفتنی است که در برخی موارد با تصریح به اصول و قوانین عقلی و گاهی بدون تصریح و فقط بیان مطالب مبنی بر این قواعد این نوع تفسیر صورت پذیرفته است (ناصر، ۱۳۸۵ش: ص ۱۱۵).

در مناظره‌های امام رضا علیه‌السلام با مخالفان، در موارد متعددی استدلال‌های عقلی جهت تبیین آیات کلام وحی به چشم می‌خورد. به‌عنوان نمونه در قسمتی از مناظره حضرت با سلیمان مروزی که پیرامون توحید و در حضور مأمون صورت گرفت، امام رضا علیه‌السلام در مورد آیه شریفه ۱۶ سوره اسراء: «وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَا تَدْمِيرًا؛ و هنگامی که بخواهیم شهر و دیاری را هلاک کنیم، نخست اوامر خود را برای «مترفین» (و ثروتمندان مست شهوت) آنجا، بیان می‌داریم، سپس هنگامی که به مخالفت برخاستند و استحقاق مجازات یافتند، آن‌ها را به شدت درهم می‌کوبیم.» از سلیمان پرسیدند که آیا منظور از اراده کردن خداوند در این آیه، این است که خداوند اراده را ایجاد می‌کند؟ گفت بله. حضرت فرمودند: پس اگر اراده را ایجاد می‌کند، این گفته تو که می‌گویی: اراده همان خداست و یا جزئی از اوست، باطل خواهد شد. زیرا خداوند خود را ایجاد نمی‌کند و از حالت فعلی خود تغییر نمی-

نماید. خداوند والاتر از این است. سلیمان گفت: منظور خداوند این نیست که اراده‌ای ایجاد می‌کند. حضرت فرمودند: پس منظورش چیست؟ گفت: منظورش این است که کاری انجام می‌دهد. حضرت فرمودند: وای بر تو! چقدر این مطلب را تکرار می‌کنی؟ من که گفتم اراده محدث است، زیرا فعل و ایجاد شیء محدث است. سلیمان گفت: پس اصلاً معنایی ندارد. حضرت فرمودند:

«پس از نظر شما، خداوند خود را وصف کرده و اراده را وصف خود قرار داده است. اراده‌ای که معنی ندارد، پس اگر اراده نه معنای ازلی داشته باشد و نه معنای حادث، این حرف که شما می‌گویید: خداوند اراده کرده است، باطل خواهد بود.»

سلیمان گفت: منظوم این است که اراده یکی از افعال ازلی خداوند است. حضرت فرمودند: آیا نمی‌دانی چیزی که ازلی است نمی‌تواند در آن واحد هم مصنوع باشد، هم محدث، هم قدیم و ازلی؟ سلیمان جوابی نداد.

لذا استفاده حضرت از براهین عقلی موجب قانع شدن سلیمان در مناظره گردید. (ابن بابویه، ۱۳۷۳: ج ۱، ص ۳۷۹-۳۸۰)
۶. جری و تطبیق

جری در لغت به معنای روان شدن و جریان داشتن می‌باشد. (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۲، ص ۳۰) جری به معنای جریان داشتن، تعبیری است که خود ائمه علیهم‌السلام برای استمرار پیام قرآن در همه زمان‌ها به کار برده‌اند و مراد از آن، انطباق الفاظ و آیات قرآن است بر مصادیقی غیر از آنچه درباره آن‌ها نازل شده است؛ به‌گونه‌ای که از مخاطبان اولیه خود گذر کرده و بر افرادی که در قرن‌های بعد می‌آیند، منطبق می‌شوند. (میرباقری، ۱۳۸۰: ص ۲۳۶)

نظر به اینکه قرآن مجید کتابی است همگانی و همیشگی، در غایب مانند حاضر جاری است و به آینده و گذشته مانند حال منطبق می‌شود، مثلاً آیاتی که در شرایط خاصه‌ای برای مؤمنین زمان نزول، تکالیفی بار می‌کند، مؤمنین که پس از عصر نزول دارای همان شرایطند، بی‌کم و کاست، همان تکالیف را دارند و آیاتی که صاحبان صفاتی را ستایش یا سرزنش می‌کند یا مژده می‌دهد یا می‌ترساند، هم‌چنین کسانی را که به آن صفات متصف‌اند در هر زمان و در هر مکان که باشند، شامل می‌شود. بنابراین هرگز مورد نزول آیه‌ای، مخصّص آن آیه نخواهد بود، یعنی

آیه‌ای که درباره شخصی یا اشخاصی معین نازل شده، در مورد نزول خود منجمد نشده، به هر موردی که در صفات و خصوصیات، با مورد نزول آیه شریک است، سرایت خواهد کرد و این خاصه، همان است که در عرف روایات، به نام «جری» نامیده می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۲: ص ۲۸؛ دیاری بیدگلی، ۱۳۹۰: ص ۵۸)

جری و تطبیق، روش اهل بیت علیهم‌السلام است، چه اینکه آنان، آیات قرآن را که قابل انطباق با مواردی غیر از موارد نزول باشد، تطبیق می‌کردند. روایات جری، که در صدد تطبیق آیات قرآن بر اهل بیت علیهم‌السلام یا بر دشمنان ایشان می‌باشد، در بخش‌هایی گوناگون، بسیار و بلکه افزون بر صدها روایت است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ص ۴۲) بی‌تردید، الغای خصوصیت از تعابیر و مفاد آیات و تطبیق بر مصداق برتر یا مصادیق متعدد، نوعی تعمیم و توسعه معنایی الفاظ قرآنی را نشان داده، در دست یازیدن به مفهوم درست آن‌ها کمک می‌کند. (دیاری بیدگلی، ۱۳۹۰: ص ۵۸)

در مناظرات رضوی، استفاده از روش تفسیری جری و تطبیق در موارد زیادی به چشم می‌خورد. از جمله در مناظره حضرت با علمای مرو استفاده از روش تفسیری جری و تطبیق تجلی دارد. امام رضا علیه‌السلام در تبیین یازدهمین آیه در معنای «اصطفاء»، سخن خدای عزوجل در سوره غافر را شاهد می‌آورد که در این آیه حکایت از مردی از آل فرعون شده که ایمان خود را مخفی می‌داشت: «وَ قَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَ تَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَ قَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ؛ و مرد مؤمنی از آل فرعون که ایمان خود را پنهان می‌داشت گفت: «آیا می‌خواهید مردی را بکشید بخاطر اینکه می‌گوید: پروردگار من «الله» است، در حالی که دلایل روشنی از سوی پروردگارتان برای شما آورده است؟!» (غافر/ ۲۸) حضرت، این فرد را از اقوام نزدیک (پسر دائی) فرعون معرفی می‌کند که خداوند او را به‌خاطر خویشاوندی‌اش، به فرعون نسبت می‌دهد، ولی از نظر دین به او نسبتش نمی‌دهد. سپس این آیه را به آل و خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز تطبیق می‌دهد و می‌فرماید:

«خداوند بر ما امتیاز بخشیده که از آل پیامبریم، به‌واسطه ولادت ما از آن جناب، ولی با عموم مردم در دین اشتراک داریم» (ابن بابویه، ۱۳۷۳: ج ۱: ۴۹۵)

حضرت با تطبیق این آیه به خاندان عترت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، ویژگی‌های منحصر به فردی را برای ایشان بیان فرمودند و همچنین عنوان داشتند که ایشان در برخی ویژگی‌ها نیز با سایر مردم مشترک‌اند.

۷. بطن و تأویل

یکی از گرایش‌های تفسیری، تفسیر باطنی قرآن کریم است که گاه از آن به تفسیر اشاری، رمزی و شهودی نیز یاد می‌شود. (نصیری، ۱۳۸۶: ۴۹۱) عبدالعظیم زرقانی در تعریف آن چنین آورده است:

«تفسیر اشاری، تأویل غیر ظاهری قرآن است که به استناد اشاره پنهانی که برای اهل سلوک و تصوف آشکار می‌شود، می‌توان میان معنای باطن یا معنای ظاهر قرآن نیز جمع کرد.» (زرقانی، ۱۹۸۸م: ج ۲، ص ۸۶)

آیت‌الله معرفت در این باره چنین آورده است:

«اهل عرفان باطنی تفاسیری دارند که بر اساس تأویل ظواهر و عمل به باطن تعبیرات قرآن و نه دلالت ظاهری مبتنی است. چنین تفسیری بر دلالت رمز و اشاره در اصطلاح آنان تکیه دارد؛ که از باطن کلام برگرفته می‌شود؛ و صراحت لفظ به حساب نمی‌آید.» (معرفت، ۱۴۱۸ق: ج ۲، ص ۵۲۶)

از آنجایی که دلیل وجود باطن برای قرآن، روایات است؛ برای پی بردن به این‌که مراد از باطن قرآن چیست؟ نیز باید از روایات کمک گرفت؛ یعنی باید دید همان روایت‌هایی که از وجود باطن قرآن خبر داده‌اند؛ ماهیت باطن قرآن را چگونه معرفی کرده‌اند؛ و صحت و سقم وجوه و اقوال یاد شده نیز با توجه به ویژگی‌هایی که در روایات برای باطن قرآن بیان شده، روشن می‌شود. از امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده:

«سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: لَيْسَ مِنَ الْقُرْآنِ آيَةٌ وَ لَهَا ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ»
(بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ص ۲۷۰)

در این روایت، وجود ظاهر و باطن برای قرآن مسلم به‌شمار آمده و تردیدی نیست که منظور از ظاهر، معارفی است که از ظاهر آیات فهمیده می‌شود؛ و منظور از باطن، معارف باطنی آیات است.

روایاتی نیز وجود دارد که ضمن خبر از وجود باطن برای قرآن، یا مسلم دانستن آن، مشخصاتی را نیز برای ظاهر و باطن بیان کرده‌اند. به‌عنوان نمونه: فضیل گوید: از ابوجعفر (امام باقر علیه السلام) درباره روایت: «هیچ آیه‌ای از قرآن نیست، مگر این که برای آن ظهری و بطنی است.» سؤال کردم، فرمودند: «ظهر آن تنزیل آن است؛ و بطن آن تأویل آن.» (صفا، ۱۴۰۴ق: ص ۱۹۶)

امام رضا علیه السلام در بسیاری از استدلال‌های قرآنی خود در جلسات مناظره با دیگران، بطن یا تأویل آیاتی از قرآن کریم را بیان نمودند. از جمله در قسمتی از جلسه مناظره در حضور مأمون با صاحبان ادیان پیرامون توحید، حضرت در نفی گمان افرادی که معتقدند خداوند برای ثواب و عقاب در آخرت حضور دارد، ولی در دنیا برای اطاعت و امیدواری بندگان حضور ندارد، به آیه شریفه ۷۲ سوره اسراء: «وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا؛ اما کسی که در این جهان (از دیدن چهره حق) نابینا بوده است، در آخرت نیز نابینا و گمراه‌تر است!» استدلال نمودند و برداشت ظاهری از آیه را نفی نموده و تفسیر باطنی آیه را این‌چنین بیان نمودند:

«منظور از کوری در این آیه، کوری از حقایق است، و عاقلان می‌دانند که استدلال بر آن جهان ممکن نیست مگر با آنچه در این جهان است، و هر کس بخواهد از آرای خویش و از پیش خود به آن عالم گردد و آن را درک نماید، با این کار فقط از درک حقایق فاصله می‌گیرد.» (ابن بابویه، ۱۳۷۳: ج ۱، ص ۳۵۴)

۸. بیان مصداق

یکی از گونه‌های مهم روایات تفسیری، روایات تعیین‌کننده مصداق است. در بخشی از روایات تفسیری برای مفاهیم عام آیات، یک یا چند مصداق خارجی برشمرده شده است (نصیری، ۱۳۸۵: ص ۴۴۸). از رهگذر این مصادیق، مفاهیم و مقاصد نهفته شده در آیات برای مخاطب روشن شده و فهم آیات تا حدودی میسر می‌گردد و با دقت در این مصادیق به نوعی تعمیم درباره مفاهیم آیات می‌رسد. توضیح اینکه: قرآن کتاب هدایت و همگانی بوده و به افرادی خاص یا عصر و دوره‌ای معین اختصاص ندارد؛ لذا باید در همه دوره‌ها و سده‌ها نقش هدایتی خویش را ایفا نموده و آیات آن بر مصادیق و موارد مختلف در اوضاع و شرایط گوناگون هر دوره قابل تطبیق



باشد، چرا که معارف بلند و قوانین آن حقیقت‌هایی هستند که اختصاص به دوران خاص و افراد ویژه‌ای ندارد (ناصح، ۱۳۸۷: ص ۶۹). ائمه اطهار علیهم‌السلام با هدف جاری ساختن آیات قرآن در زمان خویش، به بیان مصادیق آیات پرداخته‌اند. با بررسی این مصادیق، می‌توان به الگوی کامل-تری از روش تفسیر قرآن دست یافت. به دلیل همین رویکرد خاص، بسیاری از روایاتی که در تفاسیر روایی آمده و از آن به عنوان روایات تفسیری یاد شده است، تفسیر آیه نیست؛ بلکه در پی تطبیق آیه بر برخی مصادیق، و در موارد فراوان، تطبیق بر بارزترین مصداق آن است (جوادی آملی، ۱۳۷۸ش: ج ۱، ص ۲۶۷).

در توضیح دوازدهمین آیه در برتری عترت بر امت، امام رضا علیه‌السلام به آیه ۱۳۲ سوره طه اشاره می‌فرماید: «وَأُمْرُ أَهْلِكَ بِالصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ عَلَيْهِمَا؛ خانواده خود را به نماز فرمان ده؛ و بر انجام آن شکبیا باش!» و مصداق «اهل» را در آیه شریفه، عترت نبوی و ائمه معصومین علیهم‌السلام معرفی می‌کنند و سپس می‌فرمایند:

«پس از نزول این آیه، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تا نه ماه هر روز پنج مرتبه موقع نماز به در خانه علی علیه‌السلام و فاطمه علیها‌السلام می‌آمد و می‌فرمود: «خدا شما را رحمت کند، هنگام نماز است.» (ابن بابویه، ۱۳۷۳: ۴۹۵)

حضرت در واقع با بیان مصداق «اهل» پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ایشان را همان «اهل بیت علیهم‌السلام» که همان خاندان عترت علیهم‌السلام می‌باشند، معرفی می‌نمایند و برتری ایشان را متذکر می‌شوند. نتیجه

پرسش کلیدی این پژوهش، تنوع گونه‌های تفسیری در مناظره‌های رضوی با محوریت مناظرات مندرج در عیون اخبار الرضا علیه‌السلام است. این پژوهش، توضیح و تبیین اقسام روش‌های تفسیری در مناظرات رضوی را رهیافتی مناسب جهت پاسخ به این پرسش می‌داند و نشان می‌دهد:

۱. تأمل در مناظرات رضوی نشان می‌دهد مناظرات ایشان شامل برخی مبانی قرآن‌شناختی همچون محکم و متشابه، بیان شأن نزول و سبب نزول آیات و بیان آیات الأحکام می‌باشد.
۲. بیان روش تفسیری قرآن به قرآن در مناظره امام رضا علیه‌السلام با مأمون و در اثبات عصمت انبیا علیهم‌السلام تجلی دارد. امام رضا علیه‌السلام با در کنار هم نهادن آیاتی از کلام وحی، به شبهات پیرامون عصمت انبیا علیهم‌السلام پاسخ گفته و پاکی ایشان از هر گناهی را نتیجه گرفتند.

۳. امام رضا علیه السلام در جلسات مناظره با مخالفان، با استفاده از روایات تفسیری منقول از آبای گرامی خویش، آیاتی از قرآن کریم را تفسیر نمودند. این امر علاوه بر آشنا نمودن مردم با علم اهل بیت علیهم السلام، موجب ترویج مکتب تفسیری ایشان می‌شد.
۴. پاسخ‌گویی به شبهات کلامی از جمله توحید، عصمت و امامت، رسالتی است که ائمه اهل‌البیت علیهم السلام آن را به دوش کشیده و در هر موقعیتی نقش تبیین مسایل اعتقادی- کلامی را ایفا نمودند. امام رضا علیه السلام در جلسات مناظره با مخالفان و صاحبان دیگر ادیان، به بیان معارف اعتقادی و کلامی پرداخته و به شبهات در این زمینه پاسخ گفتند.
۵. استفاده از براهین عقلی جهت تبیین برخی آیات قرآن کریم، در برخی مناظرات امام رضا علیه السلام تجلی دارد. حضرت با عنایت به موهبت خدادادی در تبیین آیات مشکله قرآن کریم، به شبهات اعتقادی پاسخ گفته و موجب قانع شدن حاضران در جلسه مناظره می‌شدند.
۶. تطبیق آیاتی از قرآن کریم به موارد مشابه و تعمیم آیات کلام وحی به زمان‌های مختلف، در قسمت‌هایی از مناظرات رضوی تجلی دارد.
۷. بیان بطن و تأویل آیاتی از قرآن کریم، علاوه بر تبیین معنای ظاهری آیات، در برخی مناظرات امام رضا علیه السلام تجلی یافته است که می‌تواند به‌عنوان یکی از گونه‌های مهم روایات تفسیری مطرح باشد.
۸. امام رضا علیه السلام در برخی مناظرات با مخالفان، به بیان مصادیق خارجی برخی آیات قرآن کریم پرداختند. هدف اصلی حضرت در بیان مصداق در مناظرات رضوی، توجه دادن دیگران به مسأله امامت و ولایت اهل‌البیت علیهم السلام است.

کتابنامه

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۳)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ترجمه حمیدرضا مستفید؛ علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق.
۳. بابایی، علی اکبر، حاصلی ایرانشاهی، رحیم، (۱۳۹۴)، «بررسی اعتبار سبب نزول و سیاق و تعامل و تعارض آن دو در تفسیر، آموزه‌های قرآنی»، شماره ۲۱، صص ۳-۲۶.
۴. بحرانی، هاشم بن سلیمان، (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸ش). تفسیر تسنیم، قم: مرکز نشر اسرا.
۶. جوان آراسته، حسین (۱۳۸۱ش)، درسنامه علوم قرآنی، قم: بوستان کتاب.
۷. حجتی، محمدباقر (۱۳۸۳ش)، اسباب النزول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۸. دیاری بیدگلی، محمد تقی، «نقش و کارکرد روایات تفسیری معصومان علیهم السلام با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی»، حدیث پژوهی: بهار و تابستان ۱۳۹۰، شماره ۵، صص ۴۳-۶۸.
۹. رستمی، علی اکبر (۱۳۸۰). آسیب‌شناسی و روش‌شناسی تفسیر معصومان علیهم السلام، بی‌جا: کتاب مبین.
۱۰. زرقانی، عبدالعظیم، ۱۹۸۸م، مناهل العرفان، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۱. سبجانی، جعفر (۱۴۱۹ق)، اصول الحدیث و احکامه فی علم الدرایه، قم: موسسه الامام الصادق، ۱۴۱۹ق.
۱۲. شهبابی، محمود (بی‌تا)، ادوار فقه، بی‌جا: موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت علیهم السلام.
۱۳. صفار، محمد بن الحسن، ۱۴۰۴ق، بصائر الدرجات، قم: بی‌نا.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۲). قرآن در اسلام، قم: انتشارات اسلامی.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه قم.
۱۶. قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۱). قاموس القرآن، تهران: ایرانسال.
۱۷. مدیرشانه‌چی، کاظم (۱۳۸۹)، آیات الاحکام، تهران: سمت.



۱۸. مصلاهی پور یزدی، عباس؛ دیمه کارگراب، محسن، «گونه‌شناسی روایات تفسیری امام رضا علیه السلام، دوفصلنامه علمی پژوهشی حدیث پژوهی»، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص ۴۷-۷۸.
۱۹. معرفت، محمد هادی، (۱۴۱۸ق). التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۲۰. میرباقری، محسن، (۱۳۸۰). ظاهر قرآن، باطن قرآن، تهران: بی جا.
۲۱. ناصح، علی احمد (۱۳۸۷). اعتبار و کاربرد روایات تفسیری، قم: بوستان کتاب.
۲۲. نحاس، احمد بن محمد، (۱۴۲۱ق)، إعراب القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۲۳. نصیری، علی، (۱۳۸۶). رابطه متقابل کتاب و سنت، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۴. نفیسی، شادی (۱۳۸۸)، درایه الحدیث، بازپژوهی مصطلحات حدیثی در نگاه فریقین، تهران: سمت و دانشکده علوم حدیث.
۲۵. وحدتی شبیری، سیده زینب. (۱۳۹۲). «تحلیل گونه‌شناسی روایات تفسیری معصومین علیهم السلام حدیث و اندیشه»، بهار و تابستان ۱۳۹۲، شماره ۱۵، صص ۱۷۷-۱۹۲.